

ایران

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمد حسن روزی طلب
- **سردبیر:** حسام الدین برومند
- **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- **دبیران:** مصطفی عبوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- مصطفی وثوق کیا(فرهنگی)

- **زرین رستمی** وند(اجتماعی) • بنفشه غلامی (جهان)
- **لیدا فخری** (اندیشه) • **محمدرضا عزیزی** (گزارش)
- **زهررا کشوری** (زیست‌بوم) • **فرناز قلعه‌دار** (حوادث)
- **مهدی کلهرنژاد** (اجرايي)
- **حجت حکیمی** (صفحه‌آرایی)
- **محسن جانی پور** (ویراستاری)
- **ابوالفضل نسایی** (عکس)



- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پیامک:** ۳۰۰۴۵۱۳۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۵۳۸۸۰-۵۳۸۸۷ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارندة گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

الهی در جلال رحمتی، در کمال سبحانی، نه محتاج زمانی و نه آرزومند مکانی، نه کس به تو مانند و نه به کسی مانی. بیداست که در میان جانی، بلکه جان زنده به چیزی است که تو آئی

مناجات‌نامه - خواجه عبدالله انصاری



سخن‌روز

امام رضا(ع):

پیوند خویشاوندی را برقرار کنید گرچه با جرعه‌آبی باشد و بهترین پیوند خویشاوندی خودداری از آزار خویشاوندان است.

(تحف العقول، ص ۴۶۹)

نگاره

غرب و غزه



احمدرضا سهرابی / طراح و کارتنیست

فضای مجازی



گریه استاد دانشگاه شریف برای کودکان غزه

دکتر مسعود شادانم دیروز در همایش «همصدا با غزه» در جمع دانشجویان ایرانی خارج از کشور که در دانشکده مکانیک شریف دور هم جمع شده بودند در حالی که گریه می کرد گفت: شنیدن آمارهای غزه که می گویند هر ۱۵ دقیقه یک کودک کشته می شود یا دین فیلم و عکس‌هایی که منتشر می شود، بسیار سخت است؛ ما خداوندی داریم که با هراشک تیمم، عرشش می لرزد. من یک پسر کوچک ۴ساله به نام «اویس» و یک دختر کوچک ۲ساله دارم به نام «بهشت»؛ در تمام این عکس و فیلم‌های غزه، بچه‌های خودم را می بینم و واقعا این دو موضوع فرقی برابم ندارند، اما از آن طرف به صحنه دنیا نگاه می‌کنی که بعضی‌ها چقدر راحت کک‌شان از این ماجرا نمی‌گردد و مشغول زندگی عادی خودشان هستند، انگار هیچ اتفاق خاصی نیفتاده است. مثل ماجرای عاشورا که اگرچه خیلی‌ها مشغول زندگی عادی خود بودند اما عرش خدا را به لرزه درآورد و برای همه تاریخ، مرد و نامرد و سفید و سیاه را از هم جدا کرد؛ آدم‌های با فطرت سالم را هم از افرادی که فطرت ناسالم دارند، جدا کرد.



لعنت خدا بر اسرائیل و هر کشور حامی جنگ

محسن کیایی در واکنش به کشتار مردم فلسطین با انتشار یک استوری نوشته است و اشاره به خبر صندوق نجات کودکان با این محتوا که: «اسرائیل در سه هفته به اندازه دو سال جنگ‌های جهانی کودکان را کشته است» در ادامه آن آورده: لعنت خدا بر اسرائیلی و هر کشور حامی جنگ.



رکورد شکنی اسرائیل در کودک کشی

امیر جدیدی هم با انتشار استوری برای کودکان غزه نوشت: «از این خبر خیر جمع‌تر وجود ندارد. رکورد شکنی اسرائیل درجنایت و کودک کشی. وی با اشاره به نظر صندوق نجات کودکان گفت: اسرائیل در سه هفته به اندازه دو سال جنگ‌های جهانی کودکان را کشته است.»



نیاید تسلیم شویم

الهام عابدینی ویدیویی از راهپیمایی مردم ژاپن در حمایت از فلسطین منتشر کرده و در شرح آن صحبت‌های یکی از اعضای مجلس نمایندگان را آورده: «ماری کوشیجوی، عضو مجلس نمایندگان ژاپن: وقتی نمی‌توانیم نسل‌کشی را متوقف کنیم، احساس خفگی می‌کنیم، اما نباید تسلیم شویم. بیایید اقدامی کنیم!
»



آغاز به کار دومین واحد سیار آموزش کامپیوتر در روستاها

اسماعیل آذری‌نژاد، تصویری از کودکان خوشحال یکی از روستاهای کهگیلویه و بویراحمد را منتشر کرده و در شرح آن نوشته: «این روزها بسیار خوشحال هستم که توانستیم دومین واحد سیار آموزش کامپیوتر را در روستاها راه بیندازیم. در کنار واحد سیار کتابخانه و آزمایشگاه علوم، واحد سیار آموزش کامپیوتر و برنامه نویسی افق تازه‌ای است برای ما. از خداوند می‌خواهم توفیق دهد تمام مدارس استانم را پوشش دهد.»



یک افتخار ملی

محمد صالح سلطانی با اعلام خبرانتشار کتاب «داستان واکسن» نوشته: «دو و نیم سال پیگیری و اصرار کردیم، خواندیم و نوشتیم تا داستان واکسن متولد شد؛ روایتی از صفر تا صد تولید «کواویران پرکت». این داروی زندگی بخش ایرانی که در کوران کرونا بخشی از فرمول نجات ما در مواجهه با بحران بود؛ دارویی که یک دستاورد افتخارآمیز ملی است.»



هیچ‌گاه در تاریخ مثل امروز چنین نبوده

وحید یامین‌پور با انتشار تصویری از تجمع مردمان کشورهای مختلف در اعتراض به جنگ و کشتار مردم غزه نوشته است: «جهان به سمت مشترک شدن سرنوشت انسان‌ها سیر می‌کند، به سمت دردها و آرزوهای مشترک. همه اینها مقدمه یک اتفاق جهانی است که مسأله انسان و تاریخ را برای همیشه حل خواهد کرد. آخرین پرده وقتی کنار می‌رود که همه، معرکه حقیقی را بشناسند و به طاغوت کافر شوند و هیچ‌گاه در تاریخ مثل امروز چنین نبوده.»

نقل قول



کاره میرعباسی نویسنده

رمان نویسی در ایران شغل نیست، تنفن است

مسأله این است که کلاً ادبیات ژانر به معنای عام در ایران پا نگرفته است. البته تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته اما هیچ‌کدام به آن صورت ریشه‌دار نشده‌اند. در این میان ادبیات آخرالزمانی رواج کمتری هم نسبت به دیگر ژانرها دارد. ما ادبیات علمی تخیلی نداریم، بفهمی فقهی ادبیات ترسناک داریم، ادبیات پلیسی در این میان نسبتاً وضعیت بهتری دارد. در ادبیات عامه‌پسندمان مقدار زیادی ادبیات عاطفی و عاشقانه داریم. در ادبیات جدی‌مان تنوع بیشتری داریم، رمان‌های روان‌شناسانه و اجتماعی داریم. چیزی به نام ژانر شگفت‌انگیز نداریم، ژانر آف ترور نداریم درحالی‌که ترجمه‌های موفق تری داشتند.

رمان‌نویسی در ایران هنوز شغل نیست؛ بلکه تنفن است و تعداد کسانی که از راه نویسندگی و بدون کار حاشیه‌ای و جانبی زندگی‌شان را می‌گذرانند، به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد. اگر از نظر کمی و نه کیفی کارنامه ادبی رمان‌نویسان ایرانی را نگاه کنیم جز تعدادی افراد شاخص که دوره‌ای داشتند و نویسندگان ادبیات عامه‌پسند، نویسنده کمی داریم که آثار زیادی داشته باشد. هنوز ادبیات شغل نشده که تنوع شغلی و رشته پیدا کند. خب جای تعجب ندارد که ادبیات ژانر کم داریم، البته در ترجمه‌ها نیز ادبیات آخرالزمانی ژانر پرفرمانی نیست. بخشی از صحبت‌های این نویسنده با ایسنا

یادداشت

چرا جبهه معارض حاضر به دفاع از مردم مظلوم غزه نیست؟



داود مهدوی‌زادگان عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی

چند هفته است که از حمله وحشیانه اسرائیل غاصب علیه مردم مظلوم غزه می‌گذرد. تا کنون در این جنگ نابرابر بیش از ۹هزار انسان بی‌گناه که نیمی از آنها زنان و کودکان هستند به شهادت رسیده‌اند. بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، مدارس و مساجد غزه در اثر بمباران صهیونیست‌ها تخریب شده است. مردم سراسر جهان علیه ددمنشی صهیونیست‌ها و آمریکا و حامیان غربی‌شان به پا خاسته و اعتراضات خیابانی به راه انداخته‌اند. مردم ایران هم علیه جنایات رژیم اشغالگر قدس به خروش آمده و هر یک به نحوی خشم و نفرت خود را ابراز کرده و برای نجات مردم مظلوم غزه دست به دعا برداشته‌اند و از دولت انقلابی خواهان امداد رسانی به این مردم محاصره شده هستند. اما در این میان، جبهه معارض، همان‌ها که سال گذشته به بهانه مرگ طبیعی یک بانوی ایرانی بلوا به پا کردند و دنبال به آتش کشیدن قیصریه بودند و فریاد زن و زندگی‌شان بلند شده بود، این روزها یا روزه سکوت گرفته‌اند یا از روی اجبار به صورت دوپهلو بیانیه صادر کرده و هر دو طرف ظالم و مظلوم را محکوم می‌کنند.

برخی از آنان ناباورانه گویی خود را به جهالت زده و مدافعین مسلح مردم غزه را به آغاز جنگ متهم و محکوم کرده‌اند. در حالی که کیست نداند صهیونیست‌ها ده‌ها سال است این جنگ و تجاوز را آغاز کرده و هر سال حلقه محاصره را تنگ‌تر و سخت‌تر می‌کنند.

سؤال اساسی این است که چرا جبهه معارض حاضر نیست همراه با مردم ایران و دیگر کشورهای، به‌طور صریح و شفاف جنایات رژیم اشغالگر قدس را محکوم کند؟ چرا به بهانه‌های واهی از ابراز انزجار علیه نسل‌کشی صهیونیست‌ها طفره می‌رود و صف خود را از ملت جدا کرده است؟ آیا حمایت از ملت مظلوم تا این اندازه سخت و دشوار است؟ دست کم دو پاسخ برای این پرسش مهم وجود دارد: نخست اینکه حمایت و دفاع از ملت مظلوم فلسطین به معنای حمایت از خط مقاومت است و جبهه مقاومت با محوریت ایران انقلابی شکل گرفته است. دشمنی ایران با حماس و حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن هم بدین خاطر است که آنها دوست ایران انقلابی هستند.

اما دلیل دوم سکوت و عدم شفافیت در محکوم کردن‌شان ادای دین به صهیونیست‌هاست. به هر حال، سال گذشته در جریان اغتشاشات خونینی که جبهه مخالف، معارض و معاند علیه ملت و نظام اسلامی به راه انداخته بود، صهیونیست‌ها و قدرت‌های غربی تمام توان رسانه‌ای و مادی خود را برای حمایت از آنان وارد صحنه کردند، از این رو، متقابلاً جبهه معارض وظیفه خود می‌دانند که در کنار رژیم اشغالگر قدس قرار گیرند و دفاع ملی فلسطینیان را محکوم کنند.

هیچ بدنامی برای جریانات و کتشگران سیاسی بالاتر از این نیست که آنان خود را مدعیون دولتی جعلی، غاصب و جنایتکار بدانند و برای ادای دین، مظلومیت ملت ستم‌دیده را نهبینند. در داخل، فریاد و مظلوما سسری می‌دهند و در سطح منطقه از ظالم حمایت می‌کنند. نفرت‌شان از اسلام سیاسی آنان را تا به این درجه از همسروی با نظام سلطه جهانی و صهیونیست‌ها سوق داده است. اکنون بیش از هر زمان دیگری معلوم می‌شود که چانه‌فدای ایران گفتن‌شان تا چه اندازه تهی و پوшالی است. هرگز، فدایی ملت در کنار دشمن ملت نمی‌ایستد.

نکته

برنامه نهایی رژیم چیست و ما چه می‌توانیم بکنیم؟



علیرضا کمیلی پژوهشگر

ننانهاو از آنجا که اگر دستاوردی ملموس نداشته باشد، پس از آتش بس، دادگاهی خواهد شد، باید بتواند به وعده خودش یعنی نابود کردن حماس دست پیدا کند. این مهم هم به‌راحتی شدنی نیست، لذا وی در تلاش است تا حداقل با به دست آوردن یکی دو موفقیت ظاهری، هم آینده خودش را بخرد و هم در مذاکرات تبادل اسرا، راهی برای کمتر امتیاز دادن داشته باشد. از همین رو، هم به دنبال «زدن سران حماس» است که این روزها اسم یحیی سنوار مطرح شده و هم دنبال آن است که بتواند «نیمه‌شمالی غزه را جدا کند» و از آنجا که از جمعیت حدوداً یک میلیون نفری این بخش هنوز نیمی باقی مانده‌اند، به صورت دیوانه‌وار در حال کشتار مردم در این بخش است تا مجبور به مهاجرت به جنوب شوند.

گرچه توانسته دستاوردهایی هم داشته باشد و از رسیدن به جاده محوری شمال-جنوب صلاح‌الدین خبر می‌رسد ولی هنوز تسلط کافی برآن ندارد و طبق اخبار پیش از ۶۰ تاک و سرباز خود را از دست داده است. از همین رو روزهای آینده برای حماس و غزه سرنوشت‌ساز است. هر چه زدن وحشیانه بیمارستان یا تهدید شیمیایی بیشتر شود، نشانه استیصال نظامی رژیم است. از آنجا که فعلاً حماس از کسی کمک نظامی نخواسته، برخی ایده‌ها را برای کمک به ایستادگی مردم غزه و نیز انزواي رژیم تقدیم می‌کنم:

تحریم همه‌جانبه رژیم؛ همان بلایی که غربی‌ها به اسم جنایت جنگی سر روسیه آوردند، باید سر رژیم بیاید. المپیک و تحولات بعدی بدون رژیم باید باشد. در کنار رسانه کار حقوقی هم می‌طلبید؛ خصوصاً این تهدید حمله اتمی را نباید هرگز رها کرد.

مطالبه اقدام عملی؛ کشورها به خوبی محکوم کرده‌اند ولی باید سطح مسأله را حتماً به اقدام عملی کشاند. ملت‌ها آماده مطالبه‌اند. امثال بیانیه اتحادیه علما و فتوای لزوم دخالت نظامی کشورهای اسلامی خیلی جای کار دارد...

جنبش بازسازی غزه؛ امت اسلامی باید از حالا متکفل ساخت کل غزه شود البته نه در حد شعار، بلکه با جمع‌آوری کمک مشترک جدی و اعلام یک هدف مشخص برای ساخت به تعداد همه خیریه‌ها و اصناف و...

تقویت موج تحریم اقتصادی؛ تحریم اقتصادی رژیم و آمریکا در لایه مردمی جهان گرفته و باید تقویت شود. تحریم نفتی را هم باید کمپین کرد و جلوی کشتی‌ها را گرفت.

کاروان‌های کمک رسانی؛ از سراسر جهان باید کاروان‌های زمینی و دریایی و... اعلام آمادگی و حرکت کنند. طبعاً ایرانی‌ها امکان حضور در مصر را ندارند ولی می‌توانند اثرگذار باشند.

یادداشت



محمدحسان مفیدی‌کیا منتقد

درباره مستند طنزوره

آن روز ۲۳ مه به خصوص

در سیاهی ابتدای مستند نوشته‌ای نقش می‌بندد: «ملتی که گذشته خود را نمی‌داند، اکنون میبیم و آینده‌ای پنهان در مه خواهد داشت.» و بعد یادآور می‌شود که این فیلم آرشیوی ازجنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ را نشان می‌دهد که پیش از این دیده نشده است و بعدتر هم جملاتی درباره واقعیت‌های تاریخی که منتهی می‌شود به این دوگانه که: «اسرائیلی‌ها آن را جنگ استقلال و فلسطینی‌ها [روز] نکبت می‌نامند.» در ادامه فیلم می‌رود سراغ یک مرد و سه زن سالخورده که به عبری از روزهایی می‌گویند که به روستای طنزوره در ساحل مدیترانه در فلسطین آمدند؛ روزهایی که از آن فقط خاطرات خوش را به یاد دارند و دیگر خاطرات بدش را به یاد نمی‌آورند یا نمی‌خواهند به یاد بیاورند! و دیگر مصاحبه‌شونده‌ها عمدتاً سربازان روستا جنگیده‌اند، آنها آن وقایع را به وجود آورده‌اند، فاجعه کشتار! به قول یکی‌شان که سبیل یک و پهنی دارد و در جواب آلون شوارتز، مستندساز که پرسید دراین باره با زنت صحبت کرده‌ای، گفت: «چه بگویم؟ بگویم که قاتلم؟» و البته این را با یوزخند گفت، بدون هیچ حس تأسفی.

تدی کاتز ۲۰ سال پیش به‌عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود سراغ شاهدان و عاملان ماجرا را گرفته و همه چیز را از ایشان پرسیده و حالا شوارتز آمده سراغ او تا دوباره پرسد که در آن سال‌ها چه شد، او چه شنید، چرا به اتهام افترا به دادگاه رفت و در دادگاه چه گذشت و سؤال بنیادی‌تر اینکه اساساً در طنزوره سال ۱۹۴۸ چه رخداد که حتی یادآوری آن مایه خجالت و کتمان است؟

مسأله خاطرات است! اینکه بخواهند یا نخواهند به یاد آوردند که در آن روز ۲۳ مه، پس از اینکه از چند جناح به آن روستای کوچک ساحلی حمله کردند و باقی مردانی که در میدان نبرد نمرده بودند را یکجا جمع کرده و همه را کشته‌اند! نه اینکه فراموش کرده باشند، نه! حال بعداز هفتاد چند سال هم به یاد دارند که چه شده ولی اگر بپذیرند در آن سال مستقیم با تیغچه چه سر همه اسیران جنگی نشانه رفته و شلیک کرده‌اند، پس چه فرقی بین آنها و نازی‌هاست؟

از آن طرف بازماندگان خیلی خوب به خاطر دارند که بر ساکنان طنزوره چه گذشت! روزی که مرده‌ها را از آن‌ها و بچه‌ها جدا کردند، همه را کشتند، چیزی حدود ۲۸۰ مرد که با شلیک مستقیم گلوله یا شعله‌های آتش مردند و بعد در یک چاله دفن شدند و این کاری بود که به قول خودشان «اخلاق‌مدرت‌ترین ارتش دنیا» انجام داده است و البته سال بعد همان گور دسته‌جمعی را هم حفاری کرده و همه مدارک را از بین بردند.

طنزوره فقط یکی از صدها روستایی است که در ۱۹۴۸ اشغال و نابود شد و حکومت‌های آن رژیم پیوسته و پیوسته هر سند و شهادی که دراین باره صحبت کرده را به‌طور نظاممند سانسور کرده‌اند و تاریخ را تصور که بن‌گوریون خواسته نوشته‌اند.

من مخاطب مستند حتی با شوارتز که خود به‌نحوی در پی طبیعی کردن ماجرا از راه افشا و پذیرش آن از سوی جامعه صهیونیست و اشغالگر است، هم‌دل نیستم. این و مثل این فجایع در فلسطین کم اتفاق نیفتاده و گذر زمان چیزی از سیاهی آن نمی‌کاهد و از جرم جنایتان کم نمی‌کند. چه اینکه درباره اشغالگران اروپایی استرالیا و آمریکا و دیگر زمین‌هایی که به‌زور اسلحه و ترس کشتار از صاحبان اصلی آن غصب شده نیز همین نظر را دارم. خواستم مثل همیشه یادداشتی درباره یک مستند بنویسم که زوایای فنی و جویز و عوامل را بیان کند و بعد هم کمی از داستان را مبهم بگذارد تا بیننده خودش برود و ببیند که آخر ماجرا چه می‌شود اما این بار نتوانستم، همه چیز را بگویم.



عکس: ایکنا